



به یاد بهرام بیضایی؛

فیلمسازی که تاریخ و اسطوره را به سینمای ایران آورد

شخصی وارد جهانی پیچیده از معامله، فریب، قدرت و خشونت می‌شود. «سگ‌کشی» در عین برخورداری از یک روایت پرتعلیق، تصویری انتقادی از مناسبات اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه یک داستان شخصی می‌تواند به طرح پرسش‌هایی درباره قدرت، اعتماد، فساد و انتقام تبدیل شود.

فیلم‌هایی که ساخته نشدند

اما بخشی از روایت زندگی هنری بیضایی به فیلم‌هایی مربوط می‌شود که هرگز ساخته نشدند. در کنار آثار ساخته‌شده او، پروژه‌ها و ایده‌هایی وجود دارند که به دلایل مختلف فرصت رسیدن به پرده سینما را پیدا نکردند. همین بخش از کارنامه او، یکی از تلخ‌ترین وجوه مسیر هنری این فیلمساز است؛ چراکه مخاطبان سینمای ایران در کنار فیلم‌های ماندگار او، همواره با این پرسش مواجه بوده‌اند که اگر امکان ساخت همه طرح‌ها و فیلمنامه‌هایش فراهم می‌شد، چه بخش‌های دیگری به کارنامه سینمای ایران اضافه می‌شد.

سینمایی که با گذشت زمان فراموش نشد

سینمای بیضایی از آن دست سینماهایی نیست که صرفاً به زمان ساخت آثارش وابسته باشد. بسیاری از فیلم‌های او همچنان قابلیت بازخوانی دارند؛ چراکه موضوعاتی مانند هویت، قدرت، جنگ، زن، تاریخ، اسطوره و رابطه انسان با جامعه، محدود به یک دوره تاریخی نیستند. به همین دلیل است که بازگشت نسل‌های مختلف به فیلم‌های بیضایی، صرفاً مرور یک خاطره قدیمی نیست. هر نسل می‌تواند از زوایای تازه به آثار او نگاه کند و پرسش‌های متفاوتی از آنها بیرون بکشد.

نامی که بخشی از حافظه سینماست

بهرام بیضایی را نمی‌توان تنها با تعداد فیلم‌های ساخته‌شده یا موفقیت‌های مقطعی آثارش سنجید. اهمیت او در سینمای ایران، بیش از هر چیز به جهان فکری و زبان شخصی او بازمی‌گردد؛ جهانی که در آن تاریخ، اسطوره، نمایش ایرانی و مسائل انسان معاصر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. روز ملی سینما فرصتی برای مرور چنین نام‌هایی است؛ نام‌هایی که نشان می‌دهند سینما تنها سرگرمی یا مجموعه‌ای از تصاویر روی پرده نیست، بلکه می‌تواند حافظه یک جامعه را ثبت کند و درباره پرسش‌هایی حرف بزند که حتی با گذشت دهه‌ها همچنان زنده‌اند. بهرام بیضایی از همین منظر، بخشی از حافظه سینمای ایران است؛ فیلمسازی که بعضی از آثارش تمام شده‌اند، اما جهان و پرسش‌هایشان همچنان ادامه دارد.

روز ملی سینما هر سال فرصتی است تا در کنار مرور وضعیت امروز سینما، به سراغ نام‌هایی برویم که بخشی از هویت و خاطره این هنر در ایران را شکل داده‌اند؛ فیلمسازی که آثارشان تنها محصول یک دوره تاریخی نیست و با گذشت سال‌ها همچنان امکان تماشا، تحلیل و کشف دوباره دارند. بهرام بیضایی یکی از مهم‌ترین این نام‌هاست؛ هنرمندی که در سینما، تئاتر و پژوهش درباره نمایش ایرانی مسیری متفاوت را دنبال کرد و تلاش داشت میان روایت‌های کهن ایرانی و مسائل انسان معاصر پیوندی برقرار کند.

ناصر اریاب

گفت‌وگو



روایت می‌کند، باشو کودکی است که بر اثر جنگ از خانه خود دور شده و به محیطی کاملاً متفاوت می‌رسد. تفاوت زبان و فرهنگ، در ابتدا میان او و آدم‌های اطرافش فاصله ایجاد می‌کند، اما فیلم به تدریج نشان می‌دهد که رابطه انسانی می‌تواند از مرزهای جغرافیایی و زبانی عبور کند. «باشو» تنها یک فیلم جنگی نیست؛ روایتی درباره کودکی، مهاجرت، تنهایی و امکان ارتباط میان انسان‌هاست. شاید همین ویژگی باعث شده که فیلم بعد از گذشت سال‌ها همچنان برای مخاطب امروز قابل لمس باشد.

«مسافران»؛ جایی میان آیین و اسطوره

«مسافران» یکی دیگر از آثار مهم کارنامه بیضایی است؛ فیلمی که در آن مرز میان واقعیت و خیال، زندگی و مرگ و انتظار و باور بارها جایجای می‌شود. بیضایی در این فیلم از آیین‌ها و عناصر نمایشی ایرانی بهره می‌گیرد و آنها را در ساختار سینمایی خود قرار می‌دهد. مراسم، انتظار و مرگ در «مسافران» تنها اتفاقات داستان نیستند، بلکه به بخشی از زبان فیلم تبدیل می‌شوند. این ویژگی را می‌توان یکی از وجوه متمایز سینمای بیضایی دانست؛ استفاده از ریشه‌های فرهنگی و نمایشی ایران برای ساختن روایتی که در عین ایرانی بودن، پرسش‌هایی انسانی و جهان‌شمول مطرح می‌کند.

زنانی که در حاشیه داستان نمی‌مانند

یکی از ویژگی‌های قابل توجه سینمای بیضایی، جایگاه زنان در روایت‌های اوست. زنان در آثار او اغلب شخصیت‌هایی منفعل و حاشیه‌ای نیستند؛ آنها تصمیم می‌گیرند، جست‌وجو می‌کنند، با ساختارهای قدرت روبه‌رو می‌شوند و مسیر داستان را تغییر می‌دهند.

این ویژگی در «سگ‌کشی» به شکل پررنگی دیده می‌شود. گلرخ کمالی در این فیلم برای حل یک مسئله



«رگبار»؛ آغاز یک مسیر متفاوت

«رگبار» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های آغاز کارنامه سینمایی بیضایی است؛ اثری که در آن او به سراغ زندگی آدم‌هایی معمولی و مناسبات انسانی میان آنها رفت. فیلم نشان می‌دهد که بیضایی از همان ابتدا علاقه داشت به جای روایت‌های ساده و مستقیم، جهان شخصیت‌ها و روابط میان آنها را با جزئیات بیشتری بررسی کند. «رگبار» را می‌توان یکی از نخستین نشانه‌های شکل‌گیری زبان سینمایی ویژه او دانست؛ زبانی که بعدها در آثار دیگرش پیچیده‌تر و شخصی‌تر شد. پس از آن، «کلاغ» نیز در ادامه همین مسیر قرار گرفت؛ فیلمی که در آن خاطره، جست‌وجو و نشانه‌ها جایگاه مهمی پیدا می‌کنند و مخاطب را وارد جهانی می‌کنند که باید بخشی از آن را خودش کشف کند.

«باشو، غریبه کوچک»؛ روایت جنگ از نگاه یک کودک

اما در میان آثار بیضایی، «باشو، غریبه کوچک» جایگاه ویژه‌ای دارد؛ فیلمی که جنگ را نه از منظر میدان نبرد، بلکه از نگاه یک کودک

انیمیشن ساخته شده
سفرینه زحاک

کارگردان هادی محمدیان تهیه‌کننده محمد همدانی
به زودی در سینماهای سراسر کشور

SKY
FRAME

